

دختر خاله ارغند و عزیزم سرکار علیہ خانم زالم

صفت تجرید را تب ارادت معروض میدارم: دیروز در منزل دستخط شریفان مقنن و سرور شرم
 الحرام که زنده ماندم و بار دیگر با شما کاتبه بنمایم و در یافتیم که با همسر پنهان در لندن آمد
 علم و صنعت و سیاست "سر سیریز و سلامتید و بمصدق عاقبت جوینده یا بنده بود"
 از حالات شما عزیزان مطلع شدم. مرقم بود بها جرت و دوری از زادگاه آزار دهنده
 است بل چنین است اما ما معتقدیم که آنچه برای انسان واقع میشود خیران
 است و موجب رشد فکری، با قریح و طبع شعروندیشدگر که در شما سراغ دارم حال طور که
 مرقم داشته تا جایی نیازی در چهار عصر و فرزندان دلیده بان سر سیریز. چون میدانم به سر
 زیبای اصفهان زادگاهان علاقه داشته و دارد کاست پیوست را فرستادم تا تجرید
 خاطرات شود و از قریح سرشار همکاران! شاعر شیرین سخن اصفهانی آقای
 سعیدی لذت ببرید مخصوص از اشعاری که بالهیه اصفهانی سروده اند.

خوشحالیم از اینکه همسر عزیزتان جناب بیدریج حالتان خوب است! بیاد میآورم ایامی
 را که حضرت این بودم و از بیاناتان مستفیض میشدم لطفاً سلام و ارادت
 من و همی خانم لو به این ابلاغ نمائید. مرقم بود موهومی مجدد مرا بیاد
 دارید و حالا چگونه ام؟ در جواب پیش از شعر کلیم کاشانی را میگذارم:
 "پیری رسید و موسم فصل جوان گذشت - ما راهم از مراحل رحل گیران گذشت"
 انری از موهومی مجدد نیست اما بجز آن! ابروها هنوز بجای خود باقی اند!
 بمصدق You are as old as you feel خوشنمانه ابراهیم اس پیری می کنم
 اگر جل بر خود ستانی نگرده، سواد و سرورم. همی خانم سلام بان عزیزان میراث
 نرد چیمان را از قبل ما سلام برسانید. گفتنی کمی زیاد دارم که انشاء اللہ در
 نامه کمی بعد می نویسم. جانان خوش باد - لطفاً پست صفحہ را ملاحظه کنید

بقول اخصیاینها دلم میخواد در وقتی که فراغت کامل داره

در صندل راحت در حالت استراحت Relaxation

در وقت نشستن چای یا قهوه - مخصوص چای و شیر

به کاست گوش کنید و دنیا و ما فیها را فراموش

با عرض ارادت

عزاله